

با گذشت ۱۹ سال از زلزله بم؛ ۳۲ کلاس دانش آموزان بمی در کانکس بر گزار می شود



گروه جامعه: مدیر آموزش و پرورش شهرستان بم با بیان این که دیدگاهی که نسبت به بم وجود دارد این است که بعد از زلزله این شهر ساخته شده، در حالی که این گونه نیست، گفت: «ما در زمان زلزله ۱۸ هزار دانش آموز داشتیم، اما امروز تعداد دانش آموزان بم به ۳۸ هزار و ۳۰۰ نفر رسیده است.»

حسین الله آبادی ۱۳ آذرماه در جلسه شورای آموزش و پرورش استان کرمان، با اشاره به اینکه هنوز ۳۲ کلاس و هشت مدرسه کانکسی در شهرستان بم وجود دارد، افزود: «خیلی از مدارس ما هنوز حیاط ندارند و چهار مدرسه در شیفت عصر برگزار می شود.»

وی بیان کرد: «پیشنهاد داریم، همایش خیرین مدرسه ساز در شهرستان بم به صورت ملی برگزار شود تا بتوانیم بخشی از کمبودهای سرانه آموزشی در شرق استان را جبران کنیم.» به گزارش تسنیم، مدیرکل آموزش و پرورش استان کرمان نیز در این جلسه اظهار کرد: «در بسیاری از روستاهای استان مدرسی وجود دارد که در حال حاضر بلااستفاده است و باید تعیین تکلیف شوند.»

رضا رضایی با اشاره به اینکه برخی از اراضی و املاک آموزش و پرورش استان فاقد سند هستند، یادآور شد: «دریافت اسناد اراضی و املاک آموزش و پرورش استان در دستور کار است.»

وی با بیان اینکه از شهرداری می خواهیم که در تفکیک اراضی، فضای آموزشی را هم حتماً برای مدرسه سازی در نظر بگیرد، گفت: «وقتی قرار است یک شهرک با جمعیت بالا ساخته شود، حتماً باید فضایی برای ساخت مدرسه هم در آن باشد تا ما بتوانیم مدرسه بسازیم.»

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه خانم صغری صالحی فتح ابادی فرزندعلی بشماره ملی ۰۶۲۰۵۱۴۸۸۰۲ طبق وکالت نامه بشماره ۱۱۱۷ مورخ ۱۳۸۸/۰۷/۲۰ دفترخانه ۱۲۴ کرمان بوکالت ازطرف سایورته واحدی ازورته میبشاد وقای محمدرضا جعفری پور گلوسالار بشماره ملی ۰۳۸۰۳۹۰۶۲ طبق وکالتنامه بشماره ۳۸۸۰۹ مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۳۰ دفترخانه ۹۷ بندرعباس بوکالت ازطرف احد ازورته آقای اصغرجعفری پور گلوسالار بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان پلاک ۱۳۸۷ فرعی از ۲۷۸۷ اصلی بخش ۳ کرمان موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۰۵۷۵۱۹۳/۰۵ سری سال که در صفحه ۶۵ دفتر املاک جلد ۸۱ ذیل شماره ۱۰۶۵۶ ثبت گردیده است.بموجب درخواست وارده بشماره ۱۱۰۲/۱۷۱۰۱ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۱۲ ضمن تسلیم دوبرگ استیهاد محلی تصدیق امضاشده مدعی است سندمالکیت پلاک مزبور بعلت جابجایی مفقود ودر خواست سند مالکیت المثنی نموده لذا باستناد اصلاح تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت در تاریخ مندرج در ذیل آگهسی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک فوق الذکر با وجود سند مالکیت نزد خود میبشاد ظرف مدت ده روز پس از انتشار آگهی به اداره ثبت شهرستان کرمان مراجعه واعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نمایند والا پس از مدت مذکور نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.

محمود مهدیزاده
رئیس اداره ثبت اسنادواملاک منطقه ۲
شهرستان کرمان

راضیه پورامیری، نابینا و کارشناس ارشد ارتباطات مطرح کرد

افراد نابینا در کرمان دیده نمی شوند!

وقتی دنبال کار می گشتم رفتارهایی حیرت انگیز دیدم ❁ آرزویم این است که در زندگی ام به آرامش برسم ❁



در کلاس ضبط شود. ترم اول بودم و کسی را هم در دانشگاه نمی شناختم تا کمک بگیرم. تا اینکه یکی از همکلاسی هایم گفت که جزوهها را برایت ضبط می کنم. دانشگاه هم امتیازی در نظر گرفته بود که هرکس جزوه های نابینایان را ضبط کند، کار دانشجویی محسوب می شود و همین انگیزه ای برای برخی دانشجویان شده بود تا جزوهها را ضبط کنند و تا حدودی مشکلات حل شد. البته، هر دانشگاهی چنین امتیازی ندارد و با این وجود هم دانشجویان خیلی تمایل به این کار ندارند چون گاهی جزوهها آن قدر سنگین است که وقت زیادی می گیرد و خسته کننده می شود.

الان جایی مشغول هستی؟
بله. آزمون استخدامی شرکت کردم و در آموزش و پرورش پذیرفته شدم.

برای همین الان منوچان هستی؟
بله. من به عنوان دبیر علوم اجتماعی پذیرفته شدم و در حال تدریس جغرافیا، تاریخ و روانشناسی برای دانش آموزان کلاس های دهم و یازدهم و دوازدهم هستم.

منوچان تنها هستی؟
بله. خانواده ام در بندر بسیر هستند.

شما که زندگی دانشجویی در تهران را چندین سال تجربه کردید، از عهده زندگی جدید در منوچان هم به خوبی برمی آید.

زندگی در منوچان نسبت به تهران سخت تر است چون شهری کوچکتر با امکاناتی کمتر است اما الان امیدم این است که یک سال دیگر به کرمان برمی گردم.

رفتار دانش آموزان با شما چطور بوده است؟

روز اول از طرف برخی مسئولان رفتار خوبی با من نشد. وقتی مدارکم را فرستادم و گفتم نابینا هستم، گفتند می خواهی با مدرسه استثنایی کار کنی؟ گفتم که نه، چون تخصص آن را ندارم و اینکه نابینا هستم حتما دلیل نمی شود بتوانم به بچه های استثنایی درس بدهم. قرار شد مرا به مدرسه عادی بفرستند، ولی دو مدرسه، مدیران شان قبول نمی کردند و گفته بودند من حتی نمی توانم راه کلاس و دفتر مدرسه را پیدا کنم! مدتی معطل بودم و مدیران هم مرا نمی پذیرفتند. در آخر، گفتم: قبول؛ اما نامه ای بدهید و بنویسید من را نمی خواهید. پافشاری کردم که نامه مکتوب به من بدهند تا به کرمان بروم. این نامه را ندادند و مدیر یک مدرسه قبول کرد که به آنجا بروم و خیلی هم برخورد خوبی با من داشت. این شد که کارم شروع شد. با دانش آموزان هم تا حالا مشکلی نداشته ام. بچه ها وقتی سن پایین تری دارند، خیلی راحت افراد با شرایط متفاوت را می پذیرند. دانش آموزان می گفتند هرکسی توانایی خاص خودش را دارد و قطعاً شما هم توانایی دارید که معلم شدید و من را پذیرفتند.

خانواده ات مخالفتی با رفتن شما به منوچان نداشتند؟

وقتی در آزمون استخدامی ثبت نام کردم به کسی نگفتم و بعد که پذیرفته شدم، اطلاع دادم. مخالفتی نکردند؛ فقط تعجب کردند

اسما پورزنگی آبادی

او یکی از میلیون ها معلولی است که در ایران زندگی می کند و برای یک زندگی معمولی، باید از صدها مانع عبور کند.

راضیه نابیناست و از بدو تولد نابینا بوده، اما نگذاشته این شرایط او را خانه نشین کند. ارتباطات اجتماعی دانشگاه علامه در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد درس خوانده و بعد هم، به گفته خودش، برای فرار از بیکاری خسته کننده، در آزمون استخدامی شرکت کرده و اکنون در یکی از مدارس منوچان دبیر است.

راضیه پورامیری ۳۰ سال دارد و در این گفتگو، با اشاره به برخی از مشکلاتی که افراد دارای معلولیت در جامعه ما دارند، تصریح می کند که همه افراد دارای معلولیت باید به آنچه که حق شان است برسند. گفتگو با او را که به مناسبت ۱۲ آذرماه روز جهانی افراد دارای معلولیت انجام شد، در ادامه می خوانید.

افراد دارای معلولیت مشکلات گوناگونی دارند. فکر می کنم برای کسانی مثل شما، درس خواندن و ادامه تحصیل یکی از بزرگ ترین چالش ها باشد. با این وجود، شما تا مقطع ارشد خوانده اید. از تجربیات و دشواری های دوران تحصیل بگویید.

مدرسه ابتدایی با نابینایان درس خواندم اما در مقاطع راهنمایی و دبیرستان در مدارس عادی بودم. مشکل اصلی ما نابینایان، کمبود و یا نبود کتاب مناسب بود. به ویژه کتاب ها که تغییر می کند، تا وقتی بریل یا صوتی شود، خیلی طول می کشد و در این مدت، ما برای درس خواندن، مشکلات زیادی داریم و خود من مدتی می شد که کتاب نداشتم. وقتی وارد دانشگاه می شوم که مشکلات خیلی بیشتر می شود چون بسیاری از کتاب ها و جزوه ها صوتی نیست و همکلاسی ها یا دوستان و آشنایان باید آن را بخوانند.

چه شد که رشته ارتباطات اجتماعی را در دانشگاه انتخاب کردید؟

به رشته هایی که مربوط به جامعه شناسی بود خیلی علاقه داشتم. تعداد رشته هایی انتخاب کردم محدود بود و یکی از آن ها، ارتباطات بود و این رشته هم چون نزدیک به جامعه شناسی بود، انتخابش کردم.

دوران دانشجویی در خوابگاه بودی؟
بله. در خوابگاه بودم. در دوران دانشگاه مشکل چندانی نداشتم. مسئول خوابگاه با من رفتار خوبی داشتند و اتاق مناسبی برایم در نظر می گرفتند. قانون دانشگاه نبود ولی خود مسئولان دانشگاه این کار را می کردند و این، شرایط خوبی برای درس خواندنم فراهم می کرد.

با وجود سختی هایی که داشتید و در همان ترم اول متوجه شدید که در دانشگاه، حداقل امکان، یعنی کتاب و جزوه ها را هم ندارید؛ چه انگیزه ای موجب شد که همه این سختی ها را تحمل کنید و ادامه بدهید؟

وقتی ترم اول را تمام کردم، از طریق همکلاسی هایم متوجه شدم بین ۹۰ هم رو ردی، نفر اول شدم. خیلی خوشحال شدم و تصمیم گرفتم این معدل را حفظ کنم تا ارشد هم قبول شوم. یکی دیگر از انگیزه هایم این بود که با خودم می گفتم چون خیلی زحمت کشیدم تا دانشگاه قبول شوم، باید معدلم بالا باشد. از لحاظ شخصیتی هم طوری هستم که هرکاری برعهده ام باشد را سعی می کنم به بهترین شکل ممکن آن را انجام دهم.

ترم اول که کتاب و جزوه نداشتید را چطوری خواندید که رتبه اول هم شدید؟
اغلب استادان اجازه نمی دهند صدای آن ها